

تصمیمات دادگاهها

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در مورد نبرته متهم بعمل منافی عفت علنی

ماده ۲۱۰ و ۲۱۴ مکرر قانون مجازات

اعتراض داد سرای استان خلاصه آنکه (طبق گزارش یاسبان محل وقوع بزه انتسابی بمتهمان مرمع عام و ممر نگاهبانی بوده و حکم دادگاه دایر بتمبرئه آنها مخالف ماده ۲۱۴ مکرر قانون مجازات عمومی صادر شده) بالنتجه بر حکم فرجام خواسته وارد است چه طبق تفسیری که در ماده مزبور بعمل آمده مقصود از ارتکاب عمل بطور علنی در قوانین جزائی اعم از اینست که در مرتئی و منظر عموم واقع شود یا در مکانی که معدبرای عموم باشد و استدلال دادگاه در نبرته متهمان باینکه محل وقوع قضیه از اماکن محسوب نمیشود و اینکه متهمان قصد پنهان نمودن و احتراز از علنی بودن عمل خود داشته اند صحیح نبوده چه بر حسب حکایت بر گه ی مربوط بیرونده کار محل وقوع قضیه مرمع و از امکانه عمومی محسوب و قصد مرتکب هم پنهان نمودن عمل و احتراز از علنی بودن و آشکار شدن بهیچوجه تأثیری در امر نخواهد داشت لذا حکم فرجام خواسته دایر بتمبرئه متهمان باستناد مزبور مخالف قانون بشمار میرود و بموجب ماده ۳۰ ۴ قانون اصول محاکمات جزائی باتفاق آراء نقض میشود.

زن و مردی بانها عمل منافی عفت علنی در کوچه مورد تعقیب داد سرار واقع و دادگاه چنجه (بملاحظه اینکه متهمان ساعت ۱۰ شب در پس کوچه و تاریکی مشغول عمل منافی عفت بوده اند و عمل علنی مذکور در ماده ۲۱۰ قانون مجازات نیست) آنها را تبرئه کرده دادستان شهرستان بژوهش خواسته دادگاه استان چنین رای داده است:

(چون محل وقوع عمل انتسابی از اماکن محسوب نمیکرد تا عمومی یا خصوصی تلقی گردد و بنا بر حکایت گزارش کلا تری وقوع عمل متناسب بمسئلت علیهما با ملاحظه گزارش یاسبان در ساعت ۲۱ در تاریکی شب در کوچه و بارعایت پنهان بودن از انظار و تحرز از علنی بودن و آشکار شدن بوده و با این کیفیت شمول مورد بماده ۲۱۰ استنادی مدعی العموم و ماده ۲۱۴ مکرر از حیث تشخیص علنی اتهام محقق نیست لذا حکم مستأنف عنه تأیید میشود) بر اثر فرجام خواهی دادستان استان شعبه [۲] دیوان کشور در داد نامه شماره ۴۱۳ بتاریخ ۳۱-۲-۱۸ چنین رأی داده است:

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در مورد بیکه دادگاه [بعنوان اینکه منظور از تحریف رقم وجه در دفتر بحساب آوردن وجهی بوده که قبلا اختلاس

شده] عمل را جعل ندانسته

ماده ۹۷ و ۱۰۳ و ۱۰۵ قانون مجازات

کیفر بانفصال دائم و پرداخت ۵ برابر وجه اختلاس محکوم شده و راجع بجعل در دفتر (باستناد اینکه مقصود متهم از بین بردن وجهی نبوده بلکه منظور بحساب آوردن وجهی

کسی بزه اختلاس و جعل در دفتر مورد تعقیب داد سرای دیوان کیفر واقع و در دیوان مزبور برای بزه اختلاس طبق ماده ۱۰۲ قانون مجازات و جزء ۴ قانون متمم قانون دیوان

و قابل مجازات ندانسته در صورتیکه با فرض تحقق ارتکاب هیچیک از در جهت مزبور (وقوع ارتکاب تغییر در برگهای نامبرده بعد از اختلاس و منظور نداشتن استفاده دیگری از آن) عمل را از عنوان جرم خارج نمیکند چه منظور استفاده فقط این نیست که استفاده کنند بعد از ارتکاب تغییر و تحریف در مقام استفاده برآید و اگر بمنظور کتمان و مخفی داشتن استفاده ای که قبلاً بعمل آمده مرتکب شود خود آن یکنوع استفاده محسوب و قابلیت اضرار بغیر نیز خواهد داشت و مشمول تعریفی است که در ماده ۹۷ قانون مجازات عمومی از اقسام جرم بعمل آمده بنا بر این حکم فرجام خواسته مبنی بر تیرئه متهم با استدلال مذکور مخالف قانون بشماره میرود و بموجب ماده ۴۳۰ اصول محاکمات جزائی با اتفاق آراء نقض میشود (۰)

بوده که قبلاً خورده و بحساب نیاورده و با اینحال نمیتوان گفت قصد اضراری داشته و این اقدام قابل اضرار بغیر بوده (تیرئه شده - متهم و دادستان استان فرجام خواسته اند شعبه ۲ دیوان کشور در دادنامه شماره ۳۵۲ بتاریخ ۲۴-۲-۱۸ چنین رأی داده است :

(دادگاه باستناد اینکه عمل متهم دایر بتغییر دادن رقم وجه در قبض و ته چک آن و در دفتر ثبت وجوه و عوارض دکا کین پس از اختلاس ۵۰ ریال بوده و منظور او از تحریف مزبور بحساب آوردن وجهی بوده که قبلاً خورده و بحساب نیاورده بود است و استفاده دیگری از این عمل در نظر نداشته و با اینحال نمیتوان گفت که متهم قصد اضراری داشته و اینکه عمل قابل اضرار بغیر نبوده اساساً عمل انتسابی را گناه

تصمیم دیوان کشور بر استوار کردن

در موردیکه دادگاه از لحاظ اختلاف نظر پزشکیها بتصدیق آنها نسبت بمدت معالجه ترتیب اثر نداده

ماده ۷۸ آئین دادرسی کیفری و ماده ۱۷۳ قانون کیفر

ماده ۱۷۳ قانون مجازات عمومی تطبیق و از لحاظ استرداد شکایت از طرف شاکی خصوصی قرار منع تعقیب متهم را صادر نماید بلکه مورد مشمول قسمت اول ماده مزبور بوده و صرف نظر نمودن شاکی تأثیری نداشته است [بر حکم مورد درخواست وارد نیست زیرا گذشته از اینکه گواهی پزشکان در این قبیل موارد بطور کلی است که مرض عادة چه اندازه معالجه لازم خواهد داشت بدون اینکه در تعیین مدت معالجه خصوصی مورد تحقیقاً اظهار اطلاعی کنند چنانکه در این مورد ظاهراً همین نحو بوده است چون دادگاه از لحاظ اختلاف پزشکان و از روی اظهار طرف بزه باینکه مدت معالجه او بیشتر از ده روز طول نکشیده گواهی پزشک رامینی بر اینکه معالجه شاکی ۲۱ روز مدت لازم خواهد داشت معتبر ندانسته و نظر دادگاه از این حیث قابل اعتراض در جلسه فرجامی نیست (۰)

کسی بزه ایراد ضرب مورد تعقیب دادرسی واقع و باستناد قسمت اول ماده ۱۷۳ قانون مجازات ادعای بزه دادگاه جنحه فرستاده میشود - دادگاه مزبور از لحاظ اینکه صدمه وارده بیشتر از ده روز معالجه لازم نداشته و شاکی از شکایت صرف نظر کرده دادنامه بمنع تعقیب متهم میدهد - دادگاه استان نیز بر اثر پژوهش خواهی دادستان رسیدگی و دادنامه را استوار میکند - دادستان استان فرجام خواسته - شعبه ۲ دیوان کشور در دادنامه شماره ۷۸۸ بتاریخ ۱۲-۴-۱۸ چنین رأی داده است :

(اعتراض دادرسی استان خلاصه آنکه (چون پزشک های معاینه کننده طرف بزه معالجه او را در مدت بیش از بیست روز تشخیص داده اند دادگاه نمیتوانسته بر خلاف آن مدت را کمتر از مدت مزبور تشخیص و عمل را با قسمت اخیر